

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۲۸

دوره هشتم - سال اول

شماره ثبت: ۱۲۷

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۴/۱۰

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه مجازات اسلامی»

(بخش ششم - کتاب حدود)

پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

فهرست مطالب

۱.....	کتاب دوم - حدود
۱.....	بخش اول - مواد عمومی
۲.....	بخش دوم - جرائم موجب حد
۲.....	فصل اول - زنا
۵.....	فصل دوم - لواط، تفضیذ و مساحقه
۸.....	فصل سوم - قوادی
۸.....	فصل چهارم - قذف
۱۳.....	فصل پنجم - سب نبی
۱۳.....	فصل ششم - مصرف مسکر
۱۴.....	فصل هفتم - سرقت
۱۸.....	فصل هشتم - محاربه
۱۹.....	فصل نهم - بغی و افساد فی الارض



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه مجازات اسلامی»
(بخش ششم - کتاب حدود)
پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

کتاب دوم - حدود

بخش اول - مواد عمومی

ماده (۲۱۸)

در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

ماده (۲۱۹)

در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ادعای مذکور بدون نیاز به بیینه و سوگند پذیرفته می‌شود. همچنین است اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است.

تبصره - در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

ماده (۲۲۰)

دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر دهد و یا مجازات را تقلیل داده یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل می‌باشند.

ماده (۲۲۱)

در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است برابر اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی عمل می‌شود.

ماده (۲۲۲)

هرگاه رجوع به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی لازم شود، مقام قضایی از رهبری استفتا خواهد کرد. مقام رهبری می‌تواند این امر را به فرد یا افرادی تفویض نماید.

بخش دوم - جرائم موجب حد

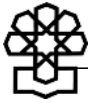
فصل اول - زنا

ماده (۲۲۳)

زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد و طی به شبهه نیز نباشد.

تبصره «۱» - جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن

محقق می‌شود.





تبصره «۲» - هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق می‌شود، لکن نابالغ مجازات نشده و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد.

ماده (۲۲۴)

جماع با میت، زناست، مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نبوده، لکن موجب سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش خواهد بود.

ماده (۲۲۵)

هرگاه متهم به زنا، مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود، مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

ماده (۲۲۶)

حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف) زنا با محارم نسبی،

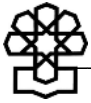
ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است،

ج) زنا با مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است،

د) زنا با به عنف یا اکراه از سوی زانی، که موجب اعدام زانی است

تبصره «۱» - مجازات زانیه در بندهای «ب» و «ج» حسب مورد، تابع سایر احکام

مربوط به زناست.



تبصره «۲» - هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او به عنف است. همچنین است زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود.

ماده (۲۲۷)

در زنا با محارم نسبی، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

ماده (۲۲۸)

مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.

ماده (۲۲۹)

حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحسن باشد، صد ضربه شلاق است.

ماده (۲۳۰)

در موارد زنا با به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود. در غیر این صورت فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم خواهد شد.

**ماده (۲۳۱)**

اگر دو طرف یا یکی از طرفین رابطه نامشروع، دوجنسی باشد، در صورتی که اجمالاً احراز شود یکی از عناوین موجب حد مانند زنا یا مساحقه واقع شده است به مجازات همان حد و در غیر این صورت، هر یک به سی و یک تا نود و نه ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند.

ماده (۲۳۲)

هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. حکم این ماده در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جاری است.

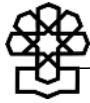
فصل دوم - لواط، تفخیز و مساحقه**ماده (۲۳۳)**

لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر.

ماده (۲۳۴)

حد لواط برای فاعل، در صورت عتف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است.

تبصره «۱» - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.



تبصره «۲» - احصان عبارت است از آنکه مرد دارای همسر دائمی و بالغ باشد و درحالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر درحال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده (۲۳۵)

تفخیز عبارت است از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر. **تبصره** - دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است.

ماده (۲۳۶)

در تفخیز، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محصن و غیرمحصن و عتف و غیرعتف نیست.

تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.

ماده (۲۳۷)

هرگاه دو یا چند مرد از روی شهوت و بدون ضرورت به صورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به سی و یک تا نود و نه ضربه شلاق تعزیری درجه شش و در صورت تکرار جرم و اجرای تعزیر در مرتبه سوم و بالاتر به یکصد ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

**ماده (۲۳۸)**

همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز، از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.
تبصره - حکم این ماده و ماده قبل در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

ماده (۲۳۹)

مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده (۲۴۰)

حد مساحقه، صد ضربه شلاق است.

ماده (۲۴۱)

در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف نیست.

ماده (۲۴۲)

در صورت عدم وجود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم بجز در موارد احتمال ارتکاب با علف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به علف است هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.

**فصل سوم - قوادی****ماده (۲۴۳)**

قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط.
تبصره - در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.

ماده (۲۴۴)

حد قوادی برای مرد هفتادوپنج ضربه شلاق و تبعید از سه ماه تا یک سال و برای زن فقط هفتادوپنج ضربه شلاق است.

ماده (۲۴۵)

کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست، لکن به سی‌ویک تا هفتادوچهار شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

فصل چهارم - قذف**ماده (۲۴۶)**

قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هرچند مرده باشد.

ماده (۲۴۷)

قذف باید روشن و بدون ابهام بوده، نسبت‌دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد.



تبصره - قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هر چند به شیوه الکترونیکی نیز تحقق می‌یابد.

ماده (۲۴۸)

هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی قذف مادر وی محسوب می‌شود. همچنین است اگر به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند پدرت نیستی.

ماده (۲۴۹)

هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است حد ثابت نمی‌شود.

ماده (۲۵۰)

هرگاه کسی به دیگری بگوید تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده‌ای فقط نسبت به مخاطب، قاذف محسوب می‌شود.

ماده (۲۵۱)

حد قذف، هشتاد ضربه شلاق است.

ماده (۲۵۲)

قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد.



تبصره «۱» - هرگاه قذف‌شونده، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف‌کننده به سی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود، لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

تبصره «۲» - قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زناست.

ماده (۲۵۳)

کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به‌کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده، محکوم به حد قذف و درخصوص مخاطب اگر به‌علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد.

ماده (۲۵۴)

هر دشنام یا نسبتی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند، موجب مجازات تعزیری مقرر در توهین است.

ماده (۲۵۵)

هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط درحال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد، به سی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

**ماده (۲۵۶)**

نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده، قبل از توبه مقذوف مجازات ندارد، ولی پس از توبه وی موجب حد است.

ماده (۲۵۷)

حد قذف حق الناس است و علاوه بر تعقیب، اجرای مجازات نیز منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات متوقف می شود.

ماده (۲۵۸)

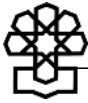
کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هریک، حد مستقلی بر او جاری می شود، خواه همگی با هم شکایت کنند، خواه جداگانه.

ماده (۲۵۹)

کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هرکدام از قذف شونده‌ها می تواند جداگانه شکایت کرده و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. در این مورد بیش از یک حد جاری نمی شود.

ماده (۲۶۰)

کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید



فقط به یک حد محکوم می شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می شود و اگر بگوید آنچه گفته ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می گردد.

ماده (۲۶۱)

پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می گردد.

ماده (۲۶۲)

حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می گردد و هریک از ورثه می تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هرچند دیگران گذشت کرده باشند.

تبصره - در صورتی که قاذف، پدر یا جد پدری وارث باشد، وارث نمی تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند.

ماده (۲۶۳)

حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا در موارد زیر ساقط می شود:

۱. هرگاه مقذوف، قاذف را تصدیق نماید.

۲. هرگاه آنچه به مقذوف نسبت داده شده با شهادت یا علم قاضی اثبات شود.

۳. هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او، گذشت کند.



۴. هرگاه مردی زنش را پس از قذف به زنای پیش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند.
 ۵. هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند، خواه قذف آنها همانند باشد خواه مختلف.
تبصره - مجازات مرتکبین در بند پنجم، سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

فصل پنجم - سب نبی

ماده (۲۶۴)

هرکس پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله را دشنام دهد یا قذف کند سب‌النبی بوده به اعدام محکوم می‌شود.
تبصره - قذف هریک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.

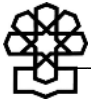
ماده (۲۶۵)

هرگاه متهم به سب ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سب‌النبی محسوب نمی‌شود.

فصل ششم - مصرف مسکر

ماده (۲۶۶)

مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن موجب حد است؛ کم باشد یا زیاد،



جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند.
تبصره - خوردن آبجو تنها زمانی موجب حد است که مسکر باشد.

ماده (۲۶۷)

حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است.

ماده (۲۶۸)

غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر محکوم به حد می‌شود.
تبصره - اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد، لکن مرتکب در حال مستی در معاشر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد.

فصل هفتم - سرقت

ماده (۲۶۹)

سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر.

ماده (۲۷۰)

سرقت در صورتی موجب حد است که دارای تمام شرایط زیر باشد:

۱. شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.



۲. مال مسروق در حرز باشد.

۳. سارق هتك حرز کرده باشد.

۴. سارق مال را از حرز خارج کند.

۵. هتك حرز و سرقت مخفیانه باشد.

۶. سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.

۷. ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز، معادل چهارونیم نخود طلای

مسکوک باشد.

۸. مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه

نباشد.

۹. سرقت در زمان قحطی صورت نگرفته باشد.

۱۰. صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کرده باشد.

۱۱. صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشیده باشد.

۱۲. مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.

۱۳. مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

۱۴. مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد.

ماده (۲۷۱)

حرز عبارت است از مکان متناسبی که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند.

ماده (۲۷۲)

در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی شود.

ماده (۲۷۳)

هتك حرز عبارت است از نقض غیرمجاز حرز که از طریق تخریب دیوار یا بالا رفتن از آن یا باز کردن یا شکستن قفل و امثال آن محقق می شود.

ماده (۲۷۴)

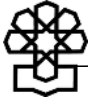
هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرممیز، حیوان یا هر وسیله بی اراده ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است.

ماده (۲۷۵)

در صورتی که مال در حرزهای متعدد باشد، ملاک، اخراج از بیرونی ترین حرز است.

ماده (۲۷۶)

ربایش مال به اندازه نصاب باید در یک سرقت انجام شده باشد.



**ماده (۲۷۷)**

هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را بر بایند باید سهم بالسویه هر کدام از آنها به حد نصاب برسد.

ماده (۲۷۸)

سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.

ماده (۲۷۹)

هرگاه شریک یا صاحب حق، بیش از سهم خود، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد، مستوجب حد است.

ماده (۲۸۰)

حد سرقت به شرح زیر است:

الف) در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب) در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

ج) در مرتبه سوم، حبس ابد.

د) در مرتبه چهارم، اعدام هر چند سرقت در زندان باشد.

تبصره «۱» - هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی



از سرقت‌های تعزیری خواهد بود.

تبصره «۲» - در مورد بند «ج» و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و ولی امر آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین ولی امر می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری مبدل نماید.

فصل هشتم - محاربه**ماده (۲۸۱)**

محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود. همچنین است کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود.

ماده (۲۸۲)

فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست.

ماده (۲۸۳)

راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.

**ماده (۲۸۴)**

حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است.

۱. اعدام، ۲. صلب، ۳. قطع دست راست و پای چپ و ۴. نفی بلد.

ماده (۲۸۵)

انتخاب هریک از این امور چهارگانه با رعایت تناسب به اختیار قاضی است.

ماده (۲۸۶)

مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگرچه محارب بعد از دستگیری توبه

نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند.

ماده (۲۸۷)

در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت

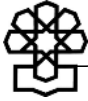
و آمد نداشته باشد.

فصل نهم - بغی و افساد فی الارض**ماده (۲۸۸)**

هرکس مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی،

نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و

میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه ای



که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت

جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع

گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

ماده (۲۸۹)

گروهی که بر مبنای نظریه سیاسی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام

مسلحانه کند باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات

اعدام محکوم می گردند.

ماده (۲۹۰)

هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه

سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد، به حبس تعزیری درجه سه و در

صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج

محکوم می شوند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۶۰۷

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه مجازات اسلامی»
(بخش ششم - کتاب حدود) پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه جزا)

تهیه و تدوین: جلیل محبی

ناظر علمی: بهزاد پورسید

متقاضی: کمیسیون قضایی حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۳۸۷